

منافع ملی و مطبوعات محلی

احسان هوشمند

عاملی در پاره نمودن رشته‌های مهر و عواطف انسانی و روابط اجتماعی این مردمان در جای جای این سرزمین نبوده است که شواهد بیشماری برای مدعا می‌توان یافت. این تنوع زبانی و مذهبی (با تساهل = تنوع قومی) گذشته از زیبایی ویژه و خاص خود که هر ناظری را به حیرت فراخواهد خواند و بتانسیل پذیرش هزاران گردشگر داخلی و خارجی رادر خود دارد (واقفوس از این همه بی‌توجهی!) خود می‌تواند و می‌توانست زمینه‌سازدها و صدها و بلکه هزاران مطالعه مردم شناختی و جامعه شناختی باشد! و البته توجه عمیق به این تنوع قاعدتاً زمینه‌ساز توجه عمیق تر به منافع ملی ما در کوتاه مدت و بلند مدت بوده و خواهد بود.

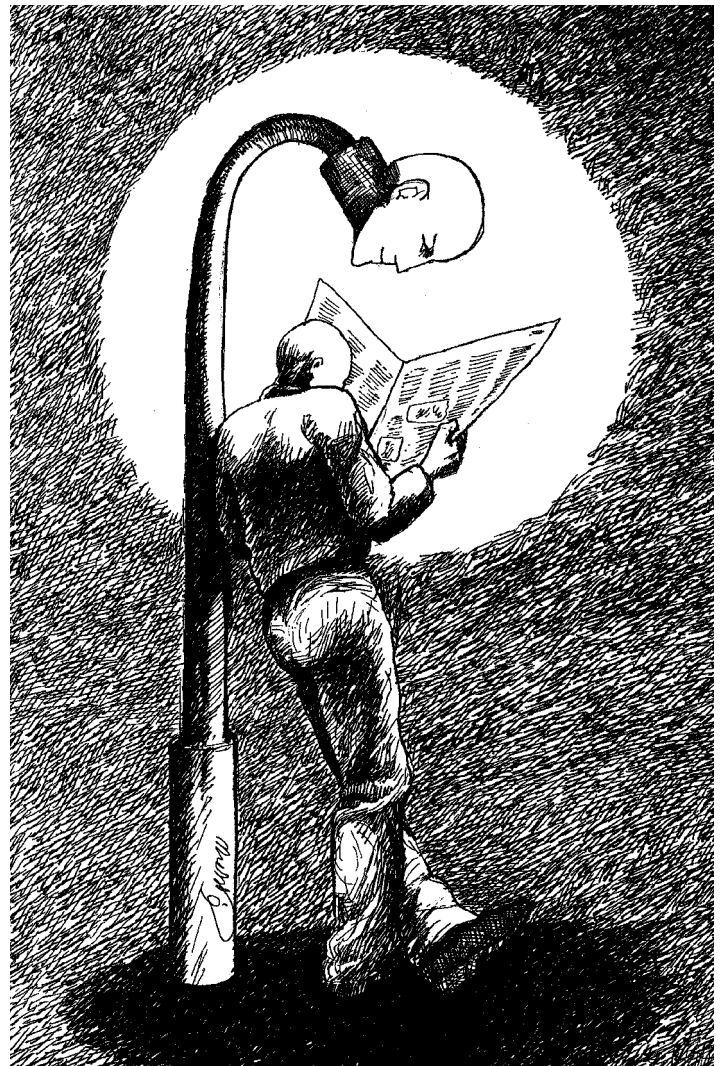
از منظری دیگر مسئله گروه‌های زبانی و مذهبی (قومی) حائز اهمیت و دقت بیشتری می‌باشد. همسایگی مناطقی از کشورهای عراق، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان با آن بخش‌هایی از ایران که برخی ویژگی‌های مشترک فرهنگی هم چون زبان و گویش با یکدیگر (آن‌سوی مرز) دارند. مثلاً کردهای ایرانی در این سوی مرز در غرب ایران و کردهای عراق و ترکیه، در آن سوی مرز و در مشرق آن کشورها و...، با این اوصاف آیا این مشترکات فرهنگی و زبانی بین مردمان دوسوی مرز فی‌نفسه خود موجب نگرانی‌های امنیتی است؟ آیا این اشتراکات فرهنگی و اجتماعی مردمان دوسوی مرز در معارضة با منافع ملی کشور ما ایران است؟ و بنابراین آیا وجود اقوام متعدد در سرزمین و کشورمان ایران خود می‌تواند به لحاظ منافع ملی نگرانی‌زا باشد؟ به خصوص اگر توجه نمایم که در برخی مناطق (هم چون کردستان ایران) هر از گاهی برخی گروه‌ها و احزاب سیاسی زمزمه‌های مرکز گریزی را طرح و تعقیب نموده‌اند. آیا براین نگرانی‌ها افزوده نمی‌شود؟ آیا در اوضاع و احوال کنونی جهان، منطقه و کشور زمینه‌های بسط نگرانی تشدید می‌گردد؟ آیا توجه به مطبوعات محلی آن هم در شرایط کنونی نمی‌تواند برگسترش این چالش‌ها موثر واقع شود؟ و اصولاً آیا ضرورتی برای توجه به مطبوعات محلی می‌توان یافت؟

پاسخ به یکایک سؤالات مطروحه، خود نیازمند پژوهش‌ها و بررسی‌های چند جانبه‌ی گسترده و متعددی است تا بتوان با این چالش‌ها به صورت منطقی و واقع بینانه برخورد نمود.

بیش از نیم قرن از اولین جنبش سیاسی مرکز گریز برخی احزاب کرد در ایران می‌گذرد و هم‌زمان با شکل‌گیری و استمرار حیات اولین حزب مرکز گریز در مناطق کردنشین ایران و حتی پیش از آن جنبش‌های تجزیه طلب و یا فدرالی‌گرا در میان کردهای کشورهای ترکیه و عراق شکل گرفته و به نحو گسترده‌ای به فعالیت سیاسی پرداخته‌اند. تا جائیکه برخی از محققان به تأثیرات شدید فعالیت‌های مرکز گریز کردان عراقی و ترکیه بر جهت‌گیری

سرزمین پهناور ایران جایگاه شگفتی‌ها، زیبایی‌ها و توانمندی‌های بالقوه و بی‌ظیری در خاورمیانه، آسیا و سایر نقاط جهان می‌باشد. تاریخ و تمدنی دیرین، مردمی با فرهنگ متکثر و پر رمز و راز، سرزمینی پر از نعمات و ذخایر و منابع متعدد و حیاتی، و طبیعتی متنوع و پر جاذبه و سحرانگیز و... جلوه‌هایی از این شگفتی‌ها و زیبایی‌هاست و در این میان یکی از جلوه‌های زیبایی این سرزمین تنوع زبان و گاه مذهب مردمی است که افتخار خود را «ایرانی بودن» می‌دانند.

آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و فارس بودن گرچه خود موجب پاره‌ای اختصاصات فرهنگی و زبانی و مذهبی برای این مردمان گشته، اما هیچگاه



احزاب کرد ایران پرداخته‌اند.

اگر جنبش سیاسی کردان ایرانی (در قالب فعالیت حزب دمکرات کردستان ایران) به صورت مقطعی و تنها در یکی دو دوره‌ی خاص زمانی (دهه‌ی ۲۰ و سال‌های پایانی دهه‌ی پنجاه و اوایل دهه‌ی شصت) و آنهم بدون حمایت گسترده و متداوم همه‌ی کردان ایرانی و به سایر دلایل سیاسی و نظامی نتوانسته بر فراگیری اهداف وایدئولوژی خود صحه بگذارد، اما در کشور عراق و در همین اواخر در کشور ترکیه فعالیت احزاب متعدد کرد گسترش و عمق بیشتری یافته‌است و البته این وضعیت در همان دو مقطع بر وضعیت سیاسی کردان ایرانی نیز خالی از تاثیر نبوده‌است.

افزون بر آن سیاست‌های خاص رژیم پهلوی در گسترش مبارزه با نظام‌های طایفای - عشیره‌ای (ایلات و عشایر) و عدم توجه به تنوع فرهنگی میان گروه‌های زبانی - مذهبی ساکن در ایران به عنوان عاملی دیگر در جهت ایجاد فاصله میان حکومت‌کنندگان و حکومت شوندگان و نهایتاً تقویت گرایشات قومی و ناسیونالیسم قومی در ایران موثر بوده‌است.

دخالته دول غربی در گسترش قوم‌گرایی در منطقه نیز بر کسی پوشیده نیست. این دخالت‌ها یا به صورت مستقیم و یا حمایت از گروه‌های معارض کرد در منطقه نمود یافته (همچون حمایت از دو گروه عمده اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق یا گروه اوجالان در ترکیه توسط یونانی‌ها) و یا به شکل حمایت‌های حقوقی در قالب حقوق بشر و سازمان‌های حقوق بشر فعلیت یافته‌است تا جائیکه در برخی از کشورهای اروپایی گذشته از تاسیس رشته‌های تحصیلی زبان کردی (هم چون سوئد و آلمان و...) حتی به تاسیس انجمن‌های حمایت و دوستی با کردها همت گمارده‌اند که نمونه اخیر را در کشور فرانسه

و به ریاست خانم میتران (همسر رئیس جمهور اسبق فرانسه) می‌توان مشاهده نمود.

راه اندازی ۳ شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای توسط دو گروه عمده معارض کرد عراقی و نیز حزب P.K.K (گروه کردهای شورشی ترکیه) به نام میدیا و نیز ده‌ها شبکه تلویزیونی و رادیویی که بیشتر آنان در مناطق کردنشین ایران قابل دریافت هستند. و همچنین نشریات متعدد در ترکیه و عراق مانند ولات، نویهار در ترکیه که اولی توسط گروه اوجالان منتشر می‌شود و نیز نشریات رامن، برای تی، یه ک بوون، ده نگه‌ی ملله ت، بیرنوی، هه ولیر، قهلات، مه ده نییته، ثافره ت، یه ک گرتوو، گولان و سه تته ری برایه تی در ارپیل و نشریات

سه رده م، ئاینده، گه لاویژی نوی، نقار، خاک، کوردستانی نوی، سه تته ری نیونه ته ووه‌ی، گوتار و هزر در سلیمانیه و سایر نشریات کردی منتشر در اروپا مثل پیام در لندن با طیف وسیعی از موضوعات و جهت‌گیری‌ها و نیز نویسندگان و مخاطبانی حتی در داخل مناطق کردنشین ایران، عامل دیگری است که زمینه گسترش ناسیونالیسم قومی را در این مناطق مورد توجه خود قرار داده‌است. به عنوان مثال در برنامه‌های

متنوع شبکه‌ی ماهواره‌ای کردهای ترکیه که از کشور بلژیک پخش می‌گردد و با توجه به استراتژی این گروه در دست یابی به هدف کردستان بزرگ (یکپارچگی مناطق کردنشین کشورهای هم جوار منطقه) طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی و سیاسی مربوط به این مناطق به صورت مصاحبه و گزارش و موسیقی و... جلوه یافته و معمولان برخی نخبگان کرد ایرانی به عنوان برنامه ساز، مجری، مصاحبه گر، مصاحبه شونده، و غیره در این برنامه‌ها حضور یافته و در بعضی برنامه‌های زنده و مستقیم برخی بینندگان از بین کردهای ایرانی اقدام به برقراری ارتباط تلفنی با این شبکه می‌نمایند که به صورت زنده پخش می‌گردد.

ضمن آنکه بسیاری از مطالب و مقالات ارسالی برای آن نشریات از طرف برخی نویسندگان ایرانی صورت می‌گیرد که به عنوان نمونه تنها در یک شماره نشریه «رامان» (منتشره در ارپیل) و یا «ئاینده» (منتشر در سلیمانیه) بیشتر از نیمی از مطالب این نشریات توسط کردهای ایرانی به تحریر درآمده‌است! باین اوصاف توجه به مطبوعات محلی در کردستان و مناطق کردنشین ایران جایگاه ویژه‌ای می‌یابد که می‌تواند ضامن منافع ملی ما و البته رعایت حقوق مردم منطقه باشد. به خصوص آنکه در نظر داشته باشیم به جز چند نشریه (۴ نشریه: سیروان، آبیدر، سروه ئاوینه) آنهم به صورت هفته نامه و دو هفته نامه و ماهنامه و چند ساعت برنامه رادیویی و تلویزیونی در زمینه توجه به فرهنگ‌های بومی تلاش زیادی در ایران صورت نگرفته‌است.

گسترش کمی و کیفی مطبوعات محلی انحصار اطلاع رسانی را محدود می‌نماید (این انحصار می‌تواند در دست رسانه‌های دولتی مانند رادیو تلویزیون رسمی کشور و یا رسانه‌های آن طرف مرزها باشد). در هر حال ظهور مطبوعات مستقل زمینه‌ی گسترش جریان آزاد آمد و شد اطلاعات را تقویت می‌نماید. این وضعیت ضمن آشکار نمودن کمبودها و نارسایی‌های منطقه‌ای و محلی در ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مناطق

آیا وجود اقوام متعدد در سرزمین و کشورمان ایران خود می‌تواند به لحاظ منافع ملی نگرانی‌زا باشد؟

توجه به مطبوعات محلی در شرایط کنونی کشور و منطقه قاعدتاً حامی منافع دراز مدت و کوتاه مدت کشور خواهد بود و البته باید بر اساس برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده در راستای استراتژی «ایران برای ایرانیان» خاتمی، برنامه مدونی را در این زمینه مهیا نمود

کردنشین، خود می تواند به شفاف کردن خواست های مختلف مردم منطقه بیانجامد و حتی می تواند در تئور و جهت دهی به افکار عمومی مردم منطقه در راستای منافع ملی شدیداً اثر گذار باشد. تجربه هفته نامه سیروان موید این نکته می باشد. شروع به کار این هفته نامه با حداقل امکانات و نیروی انسانی توانست زمینه ساز شکل گیری جریانی از روشنفکران مستقل و اصلاح طلب در منطقه باشد که شدیداً بر افکار عمومی منطقه اثر گذاشت که از آن جمله انتخاب دکتر جلالی زاده مدیر مسئول سیروان و خالد توکلی به عنوان یکی از نویسندگان هفته نامه سیروان از حوزه های سنج و سقر و یانه به عنوان نمایندگان مردم که بی تردید به صورت نسبی تحت تاثیر این جریان بوده است.

ضمن آنکه همین جریان توانست نقطه نظرات خود را در رسانه های ملی (روزنامه های دوم خردادی) با تمام مردم کشور در میان بگذارد. بنابراین توجه به مطبوعات محلی به صورت گسترده تر با موضوعات فرهنگی، سیاسی، ادبی، اقتصادی و اجتماعی و دینی می تواند این تاثیر گذاری را عمیق تر سازد. از دیگر سو توجه به مطبوعات محلی یعنی توجه به حقوق قانونی مردم و توجه به حقوق مردم زمینه ساز شفاف شدن انتظارات حاکمیت از مردم خواهد بود. براساس اصل پانزده قانون اساسی زبان های محلی می تواند در کنار زبان رسمی کشور مورد توجه قرار گیرد و سایر اصول قانون اساسی نیز به نوعی به سایر حقوق مردم اشارات و توجهاتی داشته است. حال اگر مطبوعات محلی با تنوع دیدگاه ها و نگرش ها گسترش یابند به این معنا خواهد بود که هم تکرر را پذیرفته ایم و هم حقوق مردم را ادا کرده ایم و البته این حق تا آنجا استمرار خواهد یافت که ضامن منافع ملی بوده و نافی قوانین رسمی کشور نباشد.

بنابراین مردم و روشنفکران منطقه می توانند (و باید) دیدگاه ها و نگرش های خود را از طریق این نهاد واسطه بین مردم و حاکمیت مطرح نموده و بدین ترتیب آزادی بیان و مطبوعات در چهار چوب منافع ملی فعلیت یافته و این خلاء مطبوعاتی نیز بر می شود ضمن آنکه برای بیان دیدگاه ها استفاده از ابزارهای غیر قانونی یا مغایر با منافع ملی شدیداً کاهش می یابد.

از دیگر سو گسترش مطبوعات محلی در مناطق کردنشین زمینه ساز اطلاع رسانی گسترده تر درباره ویژگی های فرهنگی و اجتماعی مناطق کردنشین کشور بوده و واقع بینی را در این باره افزایش خواهد داد. فرهنگ کردنستان و مناطق کردنشین، شاید در اذهان بسیاری از مردم ایران

و مسئولان کشور و حتی نخبگان فرهنگی و فکری (بواسطه نقش گسترده مستشرقین در این زمینه) فرهنگی واحد و یک دست از نظر گاه زبانی، مذهبی، آداب و رسوم و پوشش و هنجارها به اذهان متبادر می گردد، درحالی که در دل مناطق کردنشین ده ها و صدها خرده فرهنگ خاص و ویژه رami توان شناسایی و معرفی نمود. تفاوت گسترده زبانی بین گویش های مختلف زبان کردی (که گاه برخی زبان شناسان از زبان های کردی و نه زبان کردی سخن می گویند) و نیز تفاوت های مذهبی (شیعه، سنی، اهل حق و شعبات فرقه ای هریک) و سایر تفاوت های فرهنگی از جمله این ویژگی ها است. لذا در عرصه عمل سیاسی و اجرایی مسئولان می توانند با دید منطقی تر و بازتری درباره مسائل منطقه حکم صادره نموده و سیاست گذاری نموده و ثمرات بیشتری متوجه منافع ملی نمایند.

براساس آنچه گفته شد توجه به مطبوعات محلی در شرایط کنونی کشور و منطقه قاعدتاً حامی منافع دراز مدت و کوتاه مدت کشور خواهد بود و البته باید براساس برنامه ریزی های به عمل آمده در راستای استراتژی «ایران برای ایرانیان» ریاست جمهوری، برنامه مدونی را در این زمینه مهیا نمود تا اولاً در گسترش مطبوعات محلی بیش از پیش منافع ملی به صورت شفاف و روشن مورد توجه و اهتمام قرار گیرد و این مهم بازپچه مطامع جناحی و بانندی نگردد. (چنانچه تاکنون وابستگان برخی جناح ها چنین کرده اند!).

ثانیاً تربیت نیروی انسانی متخصص در منطقه از طریق آموزش های ویژه مورد توجه قرار گیرد.

ثالثاً زمینه سرمایه گذاری مطمئن در زمینه مطبوعات محلی فراهم آید.

رابعاً زمینه گسترش صنعت چاپ در منطقه

مهیا گردیده و خامساً کمک های ویژه مالی و یارانه ای در اختیار متقاضیان تاسیس نشریه در منطقه قرار گیرد تا از این طریق شاهد رونق و گسترش مطبوعات محلی و بومی باشیم. آیا در این مقطع حساس این مهم یعنی گسترش توجه به مطبوعات محلی دست یافتنی است؟

در برنامه های متنوع شبکه ای ماهواره ای کردهای ترکیه که از بلژیک پخش می گردد و با توجه به استراتژی این گروه در دست یابی به هدف کردنستان بزرگ (یکپارچگی مناطق کردنشین کشورهای هم جوار منطقه) طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی و سیاسی مربوط به این مناطق به صورت مصاحبه و گزارش و موسیقی و ... جلوه یافته و معمولاً برخی از نخبگان کرد ایرانی به عنوان برنامه ساز، مجری، مصاحبه گر، مصاحبه شونده، و غیره در این برنامه ها حضور دارند